



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۸۵

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبلی اردستانور)

جلسه پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ - ۶ محرم ۱۳۵۱

قیمت اشتراک سالانه داخل ۱۰۰ تومان
 خارج ۱۲۰ تومان
 تک شماره: بکفران

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۱ # (۶ محرم ۱۳۰۱)

نهرست و مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
 ۲) بیانات آقای طباطبائی دینا و اجماع بیست و سه نفر استکلاس
 ۳) اظهارات آقای دکتر ملک زاده داور پسرینج تصویب بود
 ۴) مذاکره آقای وثوق در خصوص منع استعمال کلمات جارسی و توضیح آقای انبیر
 ۵) تصویب چند فقره بر تالیس
 ۶) اطلاع انجمنای بکثیر برای نظارت فقیرمه و سرجه در قانون مجلس
 ۷) خود و تصویب لایحه ممانعت مرادباز از حقوق کسری
 ۸) خود اول لایحه ممانعت مأمورین سیاسی از مالیات انحصار دفتاریات
 ۹) خود تالی لایحه ممانعت درخت زیتون از مالیات
 ۱۰) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

جلسه يك ساعت و نیم قبل از ظهر بپایان رسید آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس روز یکشنبه هیجدهم اردیبهشت ماه را آقای مؤید احمدی (مندی) قرائت نمودند ##

۱ - تصویب صورت مجلس

- رئیس - آقای دینا
 طباطبائی دینا - قبل از دستور
 رئیس - آقای دکتر ملک زاده
 ملک زاده - قبل از دستور
 رئیس - آقای دستانی
 دستانی - آقای امیر ابراهیمی را غالب بی اجازه قرائت کردند خواست عرض کنم که استیضاه کرده اند.
 رئیس - آقای عراقی
 عراقی - آقای اسعد بواسطه عمل که کرده اند کمال بودند و بنده از مقام ریاست مرغی ایشان را استیضاه کردم بودم دیدم غالب بی اجازه نوشته اند خود بنده غیبت خودم را استدعا و استیضاه کردم بودم
 رئیس - تصحیح میشود آقای وثوق
 وثوق - عرض ندارم
 رئیس - در صورت مجلس نظر دیگری نیست (مانند مکان - غیر)

این مذاکرات مشروح هشتاد و پنجمین جلسه از دوره هشتم نقابیه - (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰) در این تاریخ تالیس و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که بدون صورت مجلس خوانده شده است :

غائبین یا اجازه - آقایان : ملک مندی - آشتیانی - صالح خان - ملک آزادی
 غائبین بی اجازه - آقایان : نیورستانی - اسمری - دکتر لایه اعظم - اورنگ - امیر ابراهیمی - میرزا رفیعی - حاج حسین آقا مومنی - مشتمت - عبدالله بن خان دینا - محمد تقی خان اسعد - آقا زاده - پروازی - شریعت زاده - قوام
 در آردکلیان بی اجازه - آقایان : عراقی - اسفندیاری - مسعود تالی - حکمت

صورت مجلس تنویب شد. در نتیجه ابراز احساسات سپهسالار آقایان نمایندگان در وقت تازآور دو سه روز در مجلس جمهور فرانسه - سه روز و کورنا وزیر مختار عزم دولت فرانسه از بنده در مجلس ملاقات کردند کتبا و شفاهاً امتنان و احساسات متقابل خودشان را اظهار و بگردید و خواستند که بنده مترجم احساسات ایشان در پیشگاه نمایندگان محترم بشوم (صحیح است) این است که این چندگانه را عرض کرده و باستحار آقایان رساندم (صحیح است) آقای دینا فرمایشی دارید.

۲- پانای آقای طباطبائی دیپاراجع به مسئله فرانس اسکاسی طباطبائی دینا - اسکاسی های بانک شاهنشاهی یک سرپی پیدا کرده بانک ها و سرافعا و کتبه تقریباً صرف کسر میکنند در روزنامه ها و بیروز و دیشب نوشته بود که از طرف دولت اقداماتی شده و موقوف شده است این صرف. ولی دیشب و امروز بنده مخصوصاً تلفن کردم به بانک شاهنشاهی و سئوال کردم گفتند هنوز ما این سرفرا و بیکرم چون این مسئله حقیقتاً ما صحیح است. از این جهت از طرف دولت باید یک اقدام چگی بشود. بانک شاهنشاهی در یک مدت مدتی مبنی باید اسکاسیهایش را جمع کنند و معاوضه کند با دولت این دیگر صرف لازم ندارد. بنده از مقام ریاست تقاضا میکنم به دولت تذکر داده شود که در این باب اقدام جدی بکنند بلکه رفع خسارت بکنند.

۱- سر - صحیح است. بانک مکلف است. بانک شاهنشاهی چه حق دارد.

۳- اظهارات آقای ملک زاده نسبت به تسریع تنویب بودجه صحیح است

ولیس - آقای ملک زاده. **ملک زاده** - خواسته از کمیسیون بودجه استدعا کنم بودجه کل مملکت را مورد مطالعه قرار دهند بواسطه این که یک اقدامات صحیحی که اقدام کردن و خرج آن فوری است منوط به گذشتن بودجه است خواستم این استدعا را بکنم.

ولیس - آقای ونوق

۴- تذکر آقای ونوق در خصوص منع استعمال لغات خارجی و توضیح آقای السرا

سید مرتضی خان ونوق - بنده مدتی بود بخواستم یک ماسلی را تذکر ا برض آقایان برسانم و موقوف نبود امروز موقع بدستم آمد. ماهیروز که در این مملکت پیشرفت میکنند به کتب در تحت توجهات عالیه اعلیحضرت همایونی باید غرور ملی و افتخارات ما همان اندازه پیشرفت کنند و منتظر باشیم باینکه مملکت ما امروز دارد بشاهراه ترقی و تمدن می رود و افتخارات ما بیش از پیشتر خواهد شد. چیزی را که بنده بخواستم تذکر بدم این بود که در بعضی از صنایع داخلی که از کارخانه ای این جا انتخاب میشود علامت کارخانه که روی آن صنایع می گذارند علامت باخط ایرانی نبوده باخط خارجی است و حتی چند روز در ایامی که بنده بقزوقین رفتم آقای باسالی ولیس کل تجارت هم تقریباً داشتند در کارخانه غناری که یکی از کارخانجات روغن کنی مهم ایران است و کربس و روغن انوهوویل برای داخله تهیه میکنند خیلی هم خوب بهتر از مال خارجه است آنها را فرستاده بود بطهران نام آنها را بر گرداندن بقزوقین برای این که گفته بودند علامتی که شما روی این نوشته اید بر دارید زیرا باخط فارسی بوده و باخط خارجی بنویسید حق اسم کارخانه غناری را هم بر دارید که اگر باشد بر نمی دارند همچنین بعضی سایرین های کارخانه داروکر رام دیدم که سکه کلای روی صابونها باخط خارجی نوشته است در صورتی که صابون در اینجا ساخته میشود و علامت کارخانه خودی ندارد. ما تمام این کارها را می کنیم برای اینکه افتخارات ما زیاد شود و از برای اینکه بدانیم در مملکت این چیزها نیست علامت آن کارخانه باید برای افتخارات دولتی روی آن صنایع و اتمنه باشد بنده تذکری که میدهم برای این است که آن ایرانی باقر نوشته که روغن کربس را از کارخانه غناری بر میگردانند و میگردید حتماً علامت این را بر دار باخط خارجی روی آن

بنویس (آقای دکتر طاهری هم از طرف داشتند و شاهند) و حتی بگردید اسم کارخانه غناری را هم از روی آن بردارید این حقیقتاً باید مجازات شود زیرا که نسبت بافتخارات داخلی ما علاوه وارد آورده و باصطلاح از افتخارات داخلی ما بکاهید بنده می بینم مقداری اسباب از چار و بوسی یعنی هاست که در کارهای داخلی و ایجاد صنایع ناسیبات و اقدام کنند. این را بنده تذکر میدهم که دولت بین اشخاصی که دارند صنایع داخلی ما علاوه وارد میکنند یک اقدامات جدی بعمل آورد که بعدها اگر یک اشخاص برآمون این جور چیزها و این قبیل وسائل بگردند اقلاً مطابق قانون مجازات مجازات شوند (صحیح است)

ولیس - چند فقره مرخصی از کمیسیون عرابش بریدید قرائت میشود.

۱ - خیر مرخصی راجع آقای محبط لازجهانی؛ نماینده محترم آقای محبط لازجهانی برای رسیدگی با مورد محلی تقاضای یک ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون باقتضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد. **ولیس** - ایشان بنده را مسیوق ساخته اند و روایت دادند که یک عشر از این برای مرخصی چون مجلس که باقتضای خرج اقابنه و تعمریات میشود صرفه برد نظر دیگری نیست (اظهار شد - خیر) آقایان که موافقت فرمایند (اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد. خیر کمیسیون راجع به مرخصی آقای غناری. یاد آوری میکنم عده که رأی داده بحد صواب بود. عرض کنم این ارفق را حتماً آقایان باید بکنند و تلبا و نگاه کنند بحد صواب رأی بدهند. آقایان که مرخصی آقای محبط را با اختصاص عرضش بصداف داخلی مجلس موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد. **۲ -** خیر کمیسیون راجع به مرخصی آقای غناری نماینده محترم آقای غناری برای رسیدگی با مورد محلی تقاضای یکماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند کمیسیون باقتضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد. **ولیس** - آقای غناری هم بمغتنوب فرمایند و روایت دادند که یک عشر از این برای مرخصی چون مجلس اختصاص داده اند. آقایان که موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

ولیس - تصویب شد. **۳ -** خیر کمیسیون راجع به آقای اعظم نماینده محترم آقای اعظم تذکره برای رسیدگی با مورد محلی از تاریخ حرکت تقاضای بیست روز مرخصی نموده اند کمیسیون باقتضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم می دارم.

بنویس (آقای دکتر طاهری هم از طرف داشتند و شاهند) و حتی بگردید اسم کارخانه غناری را هم از روی آن بردارید این حقیقتاً باید مجازات شود زیرا که نسبت بافتخارات داخلی ما علاوه وارد آورده و باصطلاح از افتخارات داخلی ما بکاهید بنده می بینم مقداری اسباب از چار و بوسی یعنی هاست که در کارهای داخلی و ایجاد صنایع ناسیبات و اقدام کنند. این را بنده تذکر میدهم که دولت بین اشخاصی که دارند صنایع داخلی ما علاوه وارد میکنند یک اقدامات جدی بعمل آورد که بعدها اگر یک اشخاص برآمون این جور چیزها و این قبیل وسائل بگردند اقلاً مطابق قانون مجازات مجازات شوند (صحیح است)

رئیس - ایشان هم همدنبطور آقای دینا .
طباطبائی دینا - سابقاً اینطور معمول بود در اجازه

ها که بتصویب مجلس میرسید و کیسبوت هم تصویب می کرد بشر آن حقوق آقایان نمایندگان با موخر خیریه تخصصی داده میشد مثلاً فرس بنر مایلد برای مریشخانه حضرت عبدالعظیم و غیره . ولی بنده با این تریب که برای صرفه جویی اختصاص داده شود مخالفم . البته خود آقایان میگویند که این تریب چیزها باید به مصارف خیریه برسد (فاضلی - صحیح است) مجلس البته يك عملی خودش برای عارضش دارد .

رئیس - عرض کنم مصارف خیریه بنظر بنده میریزد و ظاهر هر از آن دیده نمیشود که در پنهالی و کارهایی که پول آن عاید فقرا میشود تصیب گردد و مصرف شود ببلاده آن مثال معروف در نظرها خوب است که چراغی که بخانه رواست . آقایان که با سرخصی آقا موافقت قیام فرمایند . (اکثر قیام نودند) تصویب شد .

۶ - اعلام انتخاب پیکر برای نهارت ذخیره مصوبه
انتخاب میلاس پول

رئیس - لازم است خاطر آقایان را مستحضر کنم که انتخاب آقای حاج امین را قبلاً اعلان کرده بودیم برای نظارت در ذخیره پول ملکئی و برای دفعه اخیری که رای کرتیم ۹۷ نفر آراء مأخوذه آقای ارباب کیخسرو ۶۶ رأی دارند بنابر این با اکثریت نسبی (چون در مرتبه سوم بوده است) برای نظارت انتخاب شده اند .

۷ - شور و تصویب لایحه معالمت ۳م کیسبوت مروارید
رئیس - خبر کیسبوت اقتصاد ملی راجع به مالیت مروارید از حقوق کبرکی مطرح است .

خبر کیسبوت
کیسبوت اقتصاد ملی راپورت سابق خود را راجع به معالمت مروارید را از عوارض ورودی و سدوری مطرح و عیناً برای شور دوم در مجلس شورای ملی تصویب میباید .
رئیس - ماده واحده مورد تصویب قرائت میشود :
ماده واحده - ورود و صدور کلیه مرواریدی که در خلیج فارس سید میشود از هر نقطه چه داخله و چه خارجه به جزایر ایران از مقررات قانون انحصار تجارت آزاد است و نیز ورود و صدور مروارید از پرداخت هرگونه حقوق و عوارض معاف میباشد و فقط صادر کنندگان مکلفند که در موقع صدور اظهارنامه معمولی کبرکی را تسلیم نمایند .

رئیس - ماده واحده مطرح است . آقای کارزونی

کارزونی - موافقم .
رئیس - آقای فهیمی .
فهیمی - موافقم .

رئیس - عالی تریب (نمایندگان - خبر) آقایان موافقت ورقه سید خواهند داد .
(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هفتاد و نه ورقه)
سید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۹۱ نفر با اکثریت ۷۹ رأی تصویب شد .

۸ - شور لایحه معالمت مأمورین سیاسی از مالیات انحصار دخانیات

رئیس - خبر کیسبوت قوانین مالییه راجع به معالمت مأمورین سیاسی از پرداخت حقوق انحصار دخانیات :
خبر کیسبوت
کیسبوت قوانین مالییه لایحه نمره (۴۲۶۷۳) دولت

را راجع به معالمت مأمورین سیاسی خارجه متبم ایران از پرداخت حقوق انحصار دخانیات با حضور آقای وزیر مالییه مطرح نموده در نتیجه ماده واحده پیشنهادی دولت را بنیاساً تصویب نمود و اینک خبر آنرا برای شور اول قیدیم مینماید .

رئیس - عین ماده واحده پیشنهادی دولت ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است اجناس دخانیه را که برای مصرف شخصی نمایندگان سیاسی خارجه مقیم ایران وارد شده و میشود بشرط معامله متقابل از پرداخت حقوق انحصار دخانیات معاف نماید . تعیین میزان مصرف مالییه که مشمول این معالمت میشود به موجب تصویب هیئت وزراء خواهد بود .

رئیس - آقای مهدوی
مهدوی - بنده شی که بود چه در این جا میکشند اجازه خواستم که این قسمت را بگویم با مراقبت کاملی که مقام ریاست در حفظ تنظیمات دارند به عقیده بنده خوب است تذکر بدهند که دولت بیشتر مراقبت بکند در قسمت لوازمی که می آید همیشه معمول بود که از طرف دولت یک نفر مدافع در اینجا بود و الا این تریب بر خلاف است .

رئیس - امروز در کلیسای کانولیک مجلس تذکری برای سید دوم رئیس جمهور فرانسه بوده است و دولت از نظر نظریات و شرکت در سوکاروی اخلاقاً بیچور بوده است اینجا باشد و علت نبودن هیئت دولت استثناء امروز برای این بوده است به علاوه خبر نبره مندی مثل آقای فهیمی برای مدافعه فرمایشات سرکار هستند . آقای دینا
دینا - بنده با ماده واحده موافقم ولی مصرف شخصی

خبریه کلیه عمل است ممکن است مصرف شخصی بیک مقدار زیادی باشد بقدر بنده این است که اگر ممکن بود برای این مصرف شخصی بیک مقدار کمی مین کنند به تر است و الا مصرف شخصی است که بیک مقدار خیلی کلی بشود و بیجهت موجب خسارت دولت بشود .

مخیر - (آقای فهیمی) - مصرف استعمال اجناس دخانیه برای سفارخانه ها یک چیز عمده نیست و بخلاف چطور میشود تعیین کرد که برای هر سفارخانه چند میشود و به علاوه بیک سفارخانه هم که بست و همنقدر که نوشتن که بتصویب هیئت وزراء باشد طوری خواهد شد که البته هم ملاحظه تراکت بشود و هم منظور آقا نمایندگان شور بنظر بنده همین کافی است

رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - بنده عرض ندارم

رئیس - آقایان بیکه از ورود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد
۹ - شور دوم لایحه معالمت درخت زیتون از مالیات

رئیس - خبر کیسبوت قوانین مالییه راجع به معالمت درختهای زیتون از مالیات ماده واحده
ماده واحده - دولت مجاز است که با معالمت اجتناب زیتون را که از سال ۱۳۲۷ کاشته شده با بعداً غرس شود تا آخر سال ۱۳۲۶ از تأویبه مالیات معاف دارد .

رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - بنده میخواستم بیرسم از تاریخ ۱۳۰۷ چرا اگر یک عمل مفیدی است چرا بمغایلی نمیرسد و اگر چیه دیگری دارد توضیح بفرمایند که مامورین بشور .

مخیر - اگر چه ممکن بود که آقای اعتبار از بنده سؤال میکردند و بنده هم جواب خدمتشان عرض میکرد ولی برای اینکه شاید آقایان دیگر هم توضیح خواهند عرض میکنند در لایحه نوشته شده بود از سه سال قبل نایبست سال ایندو شوع در کیسبوت بیک قدری عمل مذاکره شد از سه سال قبل بمناسبت مساعدتهای که دولت کرده است شروع کرده اند بکاشتن درخت زیتون و نایبست سال هم دولت در نظر گرفته که این درختهای زیتون از

مالیات معاف باشد و این اشتباه همیشه که آیا بیست سال را
 از این تاریخ به بعد است یا اینکه هر وقت بگذارد تا بیست
 سال و با از چه تاریخ. نظر دولت این بود که از سه سال قبل
 تا بیست سال باشد ولو اینکه آخر بیست سال حالا با نوزده
 سال دیگر یعنی بالاخره تا ۳۲۶ دولت مسافیت
 خواهد داد تکلیف بعد را بعد معلوم میکند برای اینکه
 مطلب واضح باشد که دولت در نظر دارد مساعدت بکند
 اینطور با وزارت مالیه و موافقت شد که نوشته درود از اول
 ۱۳۰۷ تا آخر ۱۳۲۶ یعنی آن بیست سال را که دولت
 میخواست از مالیات معاف بدارد بعد اگر لازم شد تصدیق
 دیگری بگیرد خواهند کرد عجله این مدت را کافی
 میدانند.

رئیس - آقای دینا

طباطبائی دینا - بنده عقیده ام این است که آن ترتیب
 اولی بهتر از این ترتیب بود ترتیب اولی این بود که درخت
 زیتون تا بیست سال معاف باشد ولی اینجا تاریخ معین
 شده است تا ۳۲۶ مثلاً اگر فرض کنیم يك کسی آمد
 در ۳۲۵ درخت زیتونی کاشت حقیقه معافیت يك سال
 است و مقصود دولت از این لایحه این است که کاشتن
 درخت زیتون تریج بشود پس بعقیده بنده اگر نوشته
 شود درخت زیتون از موقع کاشتن تا بیست سال با نوزده
 سال تا يك مدت معینی معاف است بهتر از این ترتیب است
 و الا این ترتیب يك ارفاقی نیست برای آن کسانی که
 بعد میکارند.

رئیس - آقای قلمی

قلمی - این مطالبی را که آقایان فرمودند مقصود
 دولت بوده و نه مقصود کمیسیون از نقطه نظر ارفاق
 زیتون کار خوب است که هر درختی که نمیکارند تا بیست
 سال معاف شود ولی آن در عمل دچار اشکال می شود
 برای اینکه بین مأمورین مالیه و مردم اختلاف پیدا
 میشود که این درخت پانزده سالن است ۲۰ سالن است
 چقدر است و يك مشکلی بر مشکلات زارعین و مردم

علاوه میشود عجله مقصود این است که در این بیست
 سال يك تشریفی بشود و اینکه ۳۰۷ را مأخذ گرفته اند
 (که آقای اعتبار الدوله اعتراض کردند که چرا) برای
 این است که در آموغ همزی بعمل آمده و میخواستند از
 وقتیکه همزی شده تا بیست سال معاف باشد و اگر
 آطوروی که آقایان میفرمایند بکنند درست است که صورت
 ظاهر يك متغی میماند است داشته باشد ولی در عمل
 دچار اشکال میشود و اختلاف پیدا میشود مأمورین مالیه
 و زارعین که آیا ده سال است یا پانزده سال است

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقت

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنظر بنده اشکالی که آقای
 دینا فرمودند وارد است و این ترتیبی که
 نوشته شده نمیخورد برایش فلسفه تصور کرد وقتی که میخواهند
 يك قانونی وضع کنند باید از روی ملاک و مأخذی باشد
 مثلاً در فلان مزرعه غرس درخت نوت سه سال معاف باشد
 این ترتیب يك فایده دارد و برای اینکه مثلاً نوت بوند
 یا فلان مزرعه را که آباد میکنند تا پنج سال معاف باشد
 برای اینکه در مقابل زحمتی که میکنند تنویر از آنها
 بشود ولی این فتنه که میگویند از سه سال پیش یعنی
 از ۳۰۷ تا ۳۲۶ هر چه غرس بشود معاف باشد اگر
 چنانچه در ۲۴ درخت غرس شود تا در سال معاف است
 اونوقت که اصلاً عایدانی ندارد (نمائندگان - صحیح است)
 (دشتی - طبعاً معاف است) معنایش این است که اگر
 پانزده سال دیگر غرس کنند پنجسال مانده است و این
 خود معاف هست زیرا که در آنوقت عایدانی ندارد
 پس این قانون بطوری که نوشته شده اصلاً فلسفه ندارد
 این است که بگویند درخت زیتون از سالی که غرس میشود
 نده سال معاف باشد آقایان که مسروق هستند که درخت
 زیتون تا چه مدتی نمر میدهد تا آن مدت مثلاً ده سال
 پانزده سال معاف باشد (افسر - کتر از ده سال بارور

(بشود) تا هر سالی که بارور میشود تا پانزده سال دور
 چه که میشود برای اینکه این معنی ندارد
رئیس - آقای قلمی
قلمی - بنده متعجب نیستم - معلوم میشود که نوعی
 مرض بنده فرمودند میفرمایند خوب بود در قانون نوشته
 میشد که هر درخت زیتونی که کاشته شود مثلاً تا ده سال
 معاف باشد بنده عرض میکنم این بشر زارعین و مردم
 است چرا ؟ برای اینکه درخت يك عا لامتی پیدا
 نمیکند که معلوم باشد چند سال است کاشته شده
 است و انقدر هم زارعین و مأمورین ما عالم و متنبهتر نیستند
 که درخت را که نگاه میکنند بنده چند سال دارد ۲۰
 سه است یا ۷ ساله ببلاده تماماً این حرفها برای چیست
 این در نتیجه فشاری بوده که بدو لیسو وزارت مالیه وارد آمده
 باشد که این لایحه را بیابارد دولت از نظر تنویر زارعین
 و لاجین فقط مقصودش این است که در یکصدت ۴۰ ساله
 این مالیات را از مردم بگیرد فقط قصد این است نه پانزده
 تا کتر و الا این معنا کرایسکه آقا میفرمایند فرد فرد
 کیبوی با آقای وزیر مالیه کردند آقای وزیر مالیه هم
 میفرمودند که اگر این اشکالات وارد شود من تقاضای استرداد
 لایحه را مینمایم مقصود ما این است که در ظرف ۲۰ سال
 يك تنویری از زارعین بشود. حالا بنظر آقایان طرود دیگری
 میرسد ممکن است اصلاً رأی داده نشود.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم اینجا در لایحه قید شده از
 ۱۳۰۷ در این مدت چهار سال لابد مالیه يك عملی کرده
 از این درختهای زیتون يك مالیاتی گرفته است بنده خواستم
 استدعا کنم که بفرمایند که تکلیف مالیاتی که در این
 چهار سال گرفته اند چه میشود در لایحه میهم است از سال
 ۱۳۰۷ چه کار کرده اند بنده در شور اول هم عرض کردم
 که این باید معلوم شود که اگر چیزی گرفته شده پس
 بدهند.
مخیر - درختهایی که سه سال پیش کاشته شده است

آنها هنوز محصولی ندارد که چیزی از آن گرفته شود
 درخت زیتون خیلی دیر محصول میدهد و آنها را که مالیه
 همزی کرده و مالیات بگیرند آنهاست است که از سابق
 میگرفته اند و محصول داشته است درختهای سه سال پیشند
 هنوز باهر فرسیده است میفرمایند که مالیات را باید بدهند
 آن درختهایی که محصول میداده یعنی درختهای پانزده ساله
 و بیست ساله است که مالیاتش را خواهند داد ولی آنهاست
 که سه سال قبل کاشته اند این زودی محصول ندارند که
 مالیات بدهند

رئیس - آقای وثوق

وثوق - ایرادی که آقای دینا و آقای دکتر طاهری
 فرمودند با جوابی که آقای فهیمی آن فرمودند بکلی
 متضاد است (دشتی - باید هم متضاد باشد چون ایشان
 مخیرند) اگر اشجار زیتون نامادامه بیکه به نمر رسیده است
 از مالیات معاف است دیگر بچه مناسبت مأمورین چراغ
 ریخته را وقت امامزاده کتب و ریکوئیم که تا بیست سال
 اشجار زیتون که غرس میشود معاف کنیم و اگر سه
 در فنون قید شده است که هر کسی غرس اشجار زیتون
 کرد باید مالیات بدهد این را توضیح بدهید اگر اینطور
 است درخت زیتونی که غرس کرده اند از ۳۰۷ تا پنج
 از آنها مالیاتی گرفته اند بانه اگر کتر باندید پس بدهند خیلی
 خوب اگر این شکل بود است تطبیق این طور که میفرمایند
 معنی ندارد پس اینطور لایحه را تصویب بفرمایند که
 از سالی که اشجار زیتون نمر میدهد پنجسال باید سال
 از مالیات معاف باشد این يك ملاکی است و الا تا بیست
 سال از سالی که کاشته اند از مالیات معاف باشد این هیچ
 منتهی نیست که ما بگردن مردم بگذاریم (صحیح است)
مخیر - اما این که فرمودند که فرمایشات آقای
 دینا متضاد بود با عرضی بنده صحیح است برای اینکه
 ایشان متخلف بودند و بنده موافق بودم (خنده
 نمایندگان) اما راجع به درخت ها که فرمودید
 ملاحظه میفرمایند که بیست سال معاف شده است فرض کنید

که بعد از هفت سال، هشت سال اگر بشر رسید درازده سال دیگر معاف میشود و همینطور هر چه درین غرس درخت زیتون یککند باز نایک مدتی تا سال ۱۳۲۶ معاف است از مالیات و بنا بر این ماده که محل نظر است خوب تنظیم شده است و کمان میکند رعایت همه این قسمتها شده است.

رئیس - آقای فرشی.

فرشی - بنده اصلاً با مالیات زیتون مخالف مالیات زیتون یکی از مالیاتهای قدیمی است که متأسفانه در ضمن انقضاء مالیاتهای ضعیفی از نظر معاش - بنده عرض میکنم که چه علت دارد که هنوز مالیات زیتون باقی بماند (افشار - از بادام هم میگردد) زردآلو دولی این یکی از محصولات صادراتی ما است که تا همین صادرات ما را میکند در فترت آمده اند برای اینکه در جنوب از درخت خرما مالیات بگیرفته اند در شمال هم از درخت زیتون خواسته اند مالیات بگیرند بنده عقیده ام این است که این قانون ابتدا تصویب نمیکند فالجین را و در نتیجه یک مراهقه و کدکشی بین ما و ورین مالی و آن کسی که درخت زیتون کاشته است تولید خواهد شد که این درخت زیتونی که کاشته است شامل این مالیات است یا نه و اصلاً این مالیات چیزی همی نیست که در بودجه ما آنقدر تأثیر داشته باشد و تعادل بودجه بهم بخورد بنده عقیده ام اینست که اصلاً مالیات درخت زیتون بکلی معاف بشود (صحیح است) و اگر دولت از این راه یک شرری دارد از راه دیگری بگیرد و از باغات بطور مینوی ویر آورد تعین یک چیزی بگیرد - عرض کنم زیتون با بادام چه فرق دارد که بادام معاف باشد و این ترتیب یک تولید اشکالی میکند که تعین آن مشکل است برای اینکه نمیتوانند برود درخت زیتون را بیکافتند و به بینند که این به آن سن رسیده است که مالیات بدهد یا نه رسیده است و آیا این درخت زیتون به سن بلوغ رسیده است یا خیر و باید مالیات بدهد یا نه باید این مالیات اصلاً از بین برود و مردم درخت زیتون بکارند و متأسفانه ما یک از اینهایی که داریم که صالح است برای این کار

و فقط در سال یک معاف - ما یکی از این معمول میبندد فقط قسمت کیلان و مازندران است اصلاً این مالیات بقیه بنده باید معلی شود و در این باب پیشنهادی هم عرض کرده ام.

رئیس - آقای فاطمی.

فاطمی - از فرمایشات آقای فرشی من تعجب میکنم اگر یک کسی دیگری بود که از زراعت اطلاع و چیزی نداشت من تعجب نمیکردم آقای میفرمایند که چرا زردآلو مالیات ندارد و بادام مالیات ندارد و درخت زیتون باید مالیات بدهد اینها تمام مالیات دارند املاک را وقتی بگری میکنند هر چور عوایدی که درش هست این عواید را بکی یکی جمع میکنند (فرشی - باسم بادام نیست عرض کردم باسم باغات ممکن است) و از جمع مالیات بگیرند منتهی این است که در رشت و مازندران یکی از عوایدی که هست و عواید مالک که تشکیل میشود یکی از آن عواید زیتون است و این جا از نقطه نظر این که زیتون را زیادتر بکارند و بیشتر بکارند این یک چشمه عایدات را میخوانند از مالیات در ظرف بیست سال معاف بدارند و الا بطور سایر معمولاتی که هست مالیات میدهد وقتی که املاک را بگری میکنند تمام عایدات را در نظر میگیرند و از بقیه عایدات مالیات میکنند و هیچکدام را موضوع نمیکند پس در این صورت این ایراد هم به هیچوجه وارد نبود در این جا و فقط دولت خواسته است یک تشویقی بکشد از اشخاصی که درخت زیتون میکارند

جمعی از نمایندگان - کافی است - بعضی دیگر - کافی نیست بگذارید صحبت بشود

رئیس - آقای طهرانی.

طهرانی - عرض کنم که بنده تصور میکنم که فرضاً نظری که آقای فرشی دارند در اینکه بکلی معاف بشود اینکه در لایحه دولت قید نموده است و دولت موافق نیست با بکلی معاف بودن زیتون (افشار - بناد) و دولتی هم که اینجا دارد این است که اینجا نوشته اند در ظرف

بیست سال معاف باشد فایده هم دارد که در ظرف بیست سال معاف باشد برای اینکه اگر بفرمایند حضرت عالی بکلی معاف باشد این خوب نیست و آنگونه منظور دولت هم تا همین نباشد چرا؟ بدلیل اینکه تا بیست سال معاف است اگر از حالا غرس کند برای همان استفاده از معافیت این خودش یک نوع تشویقی است مخصوصاً در سمت زارمین و اگر حدود به بیست سال نباشد ممکن است هیچوقت غرس نکند برای اینکه مدت دارد و این خودش یک نوع تشویقی است برای ازدیاد این محصول چون میدانند که اگر حالا غرس میکنند تا بیست سال دیگر معاف خواهند بود و زود تر سعی میکنند غرس کنند و بالاخره این عمل به اقتضای ملکات کمک میکند و اگر مدت غیر از این باشد شاید هیچوقت این فکر نیلی نشود

رئیس - آقای افسر

افسر - عرض بنده گفته شد.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - عرض کنم که اولاً ملاحظه بفرمایند که دولت چرا این لایحه را بجا نبرد آورده است (دقیق - شما موافقت با مخالف عرض میکنم حالا و تا لایحه چرا ما در موضوع (بچه محبت میکنم بدین است که ما برای خاطر ازدیاد این محصول که این محصول خیلی مفید است و عوایدی دارد برای ملکات ما میخوانیم این محصول در مملکت زیاد بشود این نظریات است دولت هم روی همین نظر و برای ازدیاد این محصول یک ارفقی قائل شده است که روی این ارفاق دروی این تسهیل رعایا رعایت میکنند که این محصول را در مملکت ما زیاد بکنند ولی مقدمه باید ما بکا یک - بعضی باشیم بطرز این محصول این درخت از اول که میکارند مثل درخت زردآلو مثل درخت بادام مثل سایر اشجار میوه دار نیست سایر اشجار میوه دار بکلی دو سال - سه سال - پس از کاشتن نمیخورد ولی درخت زیتون یا بطور نیست خیلی خوب که آرا بکارند و در همین هم خیلی

مستعد باشد و خیلی خوب هم که مراقبت بکنند سال دوم محصول میدهد سال دهم در صورتیکه خوب مراقبت بکنند مقدار کمی محصول میدهد ده سال کامل بشرط اینکه مراقبت کامل بشود بجهت اینکه اگر مراقبت کامل نشود اصلاً موقعی نمیخورد که ثمر بدهد اگر ما همچو فرض کنیم که از حالا تا سی سال دیگر زیتون را از مالیات معاف بداریم معنی این عبارت و معنی این فراز و جمله چه میشود حالا امروز فرض کنید بجهت اینکه این قانون کاشتن بنده رعایت یک درخت کاشتن با صد سال کاشتن این در اصل تا سه سال دیگر ما شخصی است که اصلاً درخت کاشته ایم ثمر نداریم از بعد از ده سال تا بیست سال (که شما این بحث را در قانون گذاشته اند) ثمر ندارد (بسیکفر از نمایندگان - بلایم ندارد) فرض کنید آقای مطلب را بیاورید آن مدت سی سال را هم که ما قرار بگذاریم که در عرض سی سال ما از درخت زیتون مالیات تکلیف آن کسی که بیست و پنج سال بعد از اصلاً درخت زیتون میکارد آن تکلیفی چه میشود؟ او فقط پنج سال معاف است پس آن منظور ما را تا همین بیکند ما میخوانیم درخت زیتون در خاک ایران خیلی کاشته شود که آن منظور ما را تا همین کند نه اینکه ما را دور کند از آن منظوری که داریم و آن منظوری که موجب شده است که دولت این لایحه را بیاورد و ما در اطراف بحث کنیم حالا آقایان ببینید موافقت کنید یا بنده و این عرض مرا بفرستکی که میباید قبول کنید که درخت زیتون و کاشتن درخت زیتون را از مالیات معاف کنیم و روغن زیتون را هم مالیات بندهیم (افشار - این دیگر لازم نیست) هر چه محصول روغن زیتون وارد بازار میشود دولت مالیات خودش را بگیرد (افشار - چرا) یکمیتقال روغن زیتون بی مالیات فروخته نشود اما کاشتن درخت زیتون کلیتاً بی مالیات باشد که رعایا هم از امثال ناصد سال دیگر رعایت داشته باشند که این درخت را بکارند جمعی از نمایندگان - صحیح است - احسان

جمعی از نمایندگان - پیشنهاد بدهید
اورنگ - پیشنهاد میکنم.

رئیس - پیشنهادات فرائت میشود؛

پیشنهاد آقای فرشی

این بنده پیشنهاد میکنم درخت زیتون اساساً از نأوبه مالیات لایداً معاف شود

اورنگ - صحیح است - صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده اینطور نوشته شود: عمود درخت های زیتون از اذاده مالیات معاف خواهند بود
اورنگ - یازم - صحیح است معاف یکی است عبارت

فرق دارد یکمی است بدو عبارت.

رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف چند نفر از آقایان پیشنهاد میکنم که اشجار زیتون یکی از مالیات معاف باشد. دکتر سپهری - مژدهی - صادق آکبر.

رئیس - آقای فرشی

فرشی - گن میکنم که آقایان نمایندگان غالباً با این پیشنهاد بنده موافقت داشته باشند از آن طرف هم گن میکنم که برای دولت هم چیز مهمی نباشد تمام این مالیات از هفتصد تومان که مجازولاً در لایحه دولت برای هفتصد تومان بی چیه این کار را نکنند اگر این قسمت محدود باشد یک مدعی منظور می رود و خوبست که بکلی از مالیات آن صرف نظر کنند و آنوقت بده ازده سال بیست سال دیگر خواهند دید که چقدر درخت زیتون در دولت زیاد خواهد شد

رئیس - آقای قاضی

قاضی - بنده می بینم که یک چیزی در مجلس مطرح شده است و وضعی پیدا شده است که ممکن است فردا بنده پیشنهاد کنم و نماینده های استعنا هم امضاء کنند که با نام از مالیات معاف باشد

یعنی از نمایندگان - که آقایان قیاس مع الفارق است
قاضی - خبر عیناً مدعیطور است بعلاوه بنده اینجا برای استحضار خاطر آقایان مجبورم این تذکر را بدم

این مذاکرات در که - یون هم شدولی آقای وزیر مایه موافقت نمودند با این طرز پیشنهاد آقایان و اگر خود آقای وزیر مایه بودند احساس میکردند که اکثریت آقایان میل دارند باین پیشنهاد آقایان رأی بدهند این لایحه را استرداد میکنند.

اورنگ - رأی بگیر بیدیان پیشنهاد

رئیس - پیدا کردن قدر مشترک جامع ممکن است. فرضاً هم مجلس رأی بدهد بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فرشی پیشنهاد کمیسیون اعاده میشود عیناً مثل عمل قطع انجام نمی یابد که برای شما تکراری تولید کند.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم که اساساً یکدهم زیاد از مردم متفقد که مالیات مستقیم گرفته نشود و هر قدر که مالیات را غیر مستقیم بگیرند بهتر است و مالیات مستقیم را بردارند شاید ما در اسال هفت میلیون هشت میلیون مالیات غیر مستقیم برای مردم وضع کردیم و صدای مردم هم هیچ بلند نشد. پس بنا بر این این یک تفریسی است که کلان میکنم تمام مردم غافل این ملک است تمام ملل با آن موافقت در این میان مالیات مستقیم یک ملات زیتون است که اگر ماسرو نه این مالیات را به یقین چقدر است خجالت میکنیم که دو ساعت وقت مجلس را تلف کنیم برای این مالیات آنوقت آقای قاضی رئیس کمیسیون قوانین مایه یا شوند بگویند اگر وزیر مایه بفرمود پس بگیرد وزیر مایه مختار است عرض کنم آن مجلس آزاد است در فکر کردن (صحیح است) و کلامم هر فکری که دارند و بنظرشان برسد اظهار نظر عقیده میکنند (صحیح است) اگر مجلس خواست و میل کرد اگر اکثریت مجلس اراده کرده که زیتون از مالیات معاف باشد رأی میدهد خواه وزیر مایه خوشش بیاید یا بنده (صحیح است) عرض کنم حالا خود نام میخواهم این مسئله را حل کنیم که به بینیم این مسئله صحیح است یا نه؟ عرض کنم آمدند در تحت زیتون را در بیست

سال از مالیات معاف کرده اند اولاً سر و ته این مالیات شاید پنج هزار تومان ده هزار تومان بشود. (نمایندگان بهمه - متفقد تومان است) بسیار خوب اجازه بفرمایید یک مالیاتی که تقریباً مقصد تومان میشود این قابل اینرا ندارد که یک ساعت در تحت شود و آنطرف هم مخیر کمیسیون فرس و رئیس کمیسیون قوانین مایه فرمودند که دولت میل دارد فرس اشجار زیتون را تثنوی کند خوب وقتیکه خواهد باید بکلی مالیات را از تنی بردارد رفیق عزتم بنده آقای طهرانی اظهار کردند که اگر بیست سال معافیت داد بد تثنوی میشود و زیاد میکنند ولی اگر مطلقاً معاف باشند تثنوی نشود بنده این را نفهمیدم (خنده نمایندگان) بنده استدلال ایشان را وارونه معنی میکنم میگویم مطابق استدلال ایشان اگر مثلاً مدت را پنج سال فرار بدهند بدلیل ایشان بیشتر میکنند یعنی روی استدلال ایشان اگر پنجانه در بیست سال پنج هزار درخت زیتون میگذارد پنج سال باید یک میلیون بگذارد مطابق استدلال ایشان بنده نیدانم چطور میشود ۱۴ در این مدت تمام زمین و مردمان کیلان و مازندران گلستان را ولی میکند وی آید در تحت زیتون بکلی میکارند!! این منطبق بکلی وارونه است و بعقیده بنده هیچ دلیل ندارد برای اینکه حالا که دولت معتقد است که غرس و ازدیاد زیتون خوب است و مفید است برای این ملک و میخواهد تثنوی بکند و لایحه برای ابتکار آورده است اصلاً در تحت زیتون را از مالیات معاف کند (صحیح است) و بنده گن میکنم که اگر آقایان نمایندگان هم رأی بدهند باین پیشنهاد نه آسمان زمین میروند و نه زمین به آسمان میروند و نه یودجه ملک لطمه وارد می آورد.

فهیسی (خبر کمیسیون قوانین مایه) - آقای دشتی در ضمن فرمایشاتشان اظهار فرمودند خوبست مالیات غیر مستقیم را بشود برای مردم و مالیات غیر مستقیم بگذاریم بجای آنها بفرستیم (دشتی - بنده هیچ حرفی ندارم) توجه بفرمایید بهتر است

(دشتی - شما خیال میکنید بنده چنین مطلبی نکنم) فرمودید خوبست مالیات ارضی موقوف شود. غالباً این صحبت میشود که مالیات های غیر مستقیم را کمتر احساس میکنند یعنی مثل این است که یک کسیرا با کفر فرم و اثر بیوهی کنند و بعد فطمه قطعه اش بکنند بگویند اینکد مس میکنند ملتقت نمیدود و این بهتر است که در حال هوش یک سوزن بوش بزیم مالیات غیر مستقیم هم همینطور است. الا آن که زندگانی را کران کرده است همان تاثیرات عکس العمل مالیاتی غیر مستقیم است و الا چطور میشود گفت که کسی حس نپندکند (دشتی - بنده نکنم) مالیات مستقیم چون مستقیماً باید ایش اشخاص تحویل میشود البته نصفانراست یک کس که عایدی دارد مالیات بدهد باینکه کسی که عایدی ندارد بطور غیر معمول مالیات بدهد حالا این میبشود است که در این باب میشود خیلی صحبت کرده ام با حه کرد البته طرفدار مالیات غیر مستقیم هم هستند طرفدار مالیات مستقیم هم هستند راجع باین موضوع میشود مذاکراتی کرد. این قبیل مناقشات بکلی مخالف این منظوری است که ما داریم یعنی میخواهم تثنوی کنیم اشخاص را که در تحت زیتون و اشل آن را زیاد بکنند وقتی که گفتیم بکلی معاف باشد همان دلالتی که اینجا یعنی از آقایان اظهار کردند تثنوی نمیشود از برای اینکه برون این کار را دنبال کنند. اگر دولتشان مالیات میکنند (یعنی از نمایندگان - خبر غیر اینطور نیست) اگر دولتشان خواست نیکارند (اینطور نیست - خنده نمایندگان) هر وقت فرمایشاتان تمام شد اجازه بفرمایید (زنگ رئیس - دعوت بسکوت) بنده عرض را بکنم (اورنگ - تا دامنه قیامت این بحث تمام نمیشود) عرض کنم تا شخص برای خودش یک منفعتی فرض نکند دیال کار نمی رود اگر فتن باشد دیال کار نمی رود وقتی که من فهمیدم که در یک جا یک تجملی معین ناشی از کردن من برداشته شد این کار را میکنم... عراقی - ولی وقتی که تمام آن تحویل بر داشته شد این کار را ندیکتم

معتبر - البته مسلماً نمیتکنم و نخواهد کرد این يك چیزی است طبیعی حس بشری اینطور است ... اذیت کلی اسباب این میشود که آنها هیچ غمی از برای خودشان از این راه فرزند میکنند ولی وقتی گفته میشود که نظائر شما يك نیمه یلانی دارند (آقای عراقی توجه فرمائید بمرض بنده) برای اینکه آنها امسال وقتی فهمیدند که معاف هستند تا بیست سال بطبع اینکه ده سال طول دارد که این درخت به معمول بنشیند و ده سال دیگر هم معافیت داریم از عوارض مالیاتی سعی میکنند که این قسمت زیاد شود. ولی اگر بگویم خیر همیشه معاف خواهید بود چه اسراری خواهند داشت در کاشتن آن جمعی از نمایندگان - رأی گرفته شود

رئیس - پیشنهادی است که تقدم نظامنامه دارد. بنده پیشنهاد میکنم لایحه از دستور امروز خارج شود - عراقی

جمعی از نمایندگان - ما موافق نیستیم
رئیس - آقای اعتبار و آقای دکتر زاده هم همین پیشنهاد را کرده اند

رئیس - بفرمائید

عراقی - وقتی که آقایان با این پیشنهاد مخالف باشند قطعاً رأی نخواهند داد جز اینست این است که رأی نخواهد داد بنده با این ترتیب از پیشنهاد خودم صرف نظر نمیتکنم دلیل اینکه بعقیده بنده امروز منطقی که برای موافقت این لایحه ذکر شده تمام عکس منظور خود ناطقین بود بجهت اینکه ناطق وقتی که میخواهد اثبات کند مدعی خودش را باید منطقتش طوری قوی باشد که ثابت کند منظور خودش را اما آقایان منطقتشان این بود که اگر بیست سال معاف باشد مرد که مشوق میشود ولی اگر ابدی باشد معافیت مشوق نیست. بنده این منطق را نمی فهمم بنا بر این چون بنده می بینم که منطق موافقین خیلی ضعیف و فوق العاده ضعیف است و دلیلشان

رئیس - راجع بمعافیت همیشگی. آقایانیکه پیشنهاد آقای فرشی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اغاب قیام نمودند) تصویب شد
[۹- موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - آقای انسر

انسر - خاطر اقا مینویق باشد که مقصود آقای طهرانچی که عبارتی فرمودند توضیح داده شود که محضر اقا رفع شود میگویند این که گفته میشود که معافیت ابدی این که معلوم نیست ولی وقتی بیست سال کفایت معاف است تا يك مدتی معین و معلوم است. اما اگر الان معافش کردیم معلوم نیست که سال دیگر معاف خواهد بود یا اینکه يك لایحه خواهند آورد که این معافیت را بر دارد ولی راجع باین که لایحه از دستور خارج شود آن را بنده مخالفم برای این مقصد تومان يك جلسه مجلس شورای ملی تقریباً صرف این کار شد بویك جلسه دیگر هم باید صرف این کار شود و بالاخره قیام وقت مجلس شورای ملی بیشتر از این مقصد تومان است بالاخره هر طوری هست رأی بدهند هر چه لازم بوده در مجلس گفته شده دلائل هم از دو طرف گفته شد بجز این چه اوقات مجلس شورای ملی را که يك جلسه آن قیامت بیش از مقصد تومان است صرف کنیم و باز بگذاریم و جلسه دیگر از سر بگیریم بنده مخالفم با خروج از دستور.
رئیس - آقایانیکه معتقد هستند که این لایحه از دستور خارج بشود قیام فرمایند

(عدم تقییلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم بقبال توجه بودن پیشنهاد آقای فرشی. .
امیر تیمور کلای - راجع بمعافیت ؟

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود. اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه آینده یکشنبه اول خرداد سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه نام کرده و لایحه کرپاک (مجلس مطاران ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

آزادی ورود و صدور مروراید و معافیت آن از پرداخت حقوق و عوارض

ماده واحده - ورود و صدور کلبه مرورایدی که در خلیج فارس سید میشود از هر نقطه چه داخله و چه خارجه به بنادر و جزائر ایران از مقررات قانون انحصار تجارت آزاد است و نیز ورود و صدور مروراید از پرداخت هر گونه حقوق و عوارض معاف میباشد و فقط صادر کنندگان مکلفند که در موقع صدور اظهار نامه دولتی کمرکی را تسلیم نمایند.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیستم و دوم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و یازده شمسی بصوب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر